



بررسی متغیرهای مؤثر در تغییر رویکرد دکترین پیرامونی رژیم صهیونیستی با تاکید بر پیمان ابراهیم

محمدرضا جوانی^۱ مهدی عباس زاده فتح آبادی^۲

چکیده

نیاز دکترین پیرامونی یک استراتژی امنیتی است که توسط دیوید بن گوریون، اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در دهه ۱۹۵۰ میلادی تدوین شد. هدف اصلی این دکترین ایجاد ائتلاف‌ها و روابط دوستانه با کشورهای غیرعرب در خاورمیانه و اطراف آن بود تا از این طریق، رژیم صهیونیستی بتواند به مقابله با تهدیدات کشورهای عرب همسایه بپردازد، رژیم صهیونیستی تلاش کرد تا روابط خود را با کشورهای غیرعرب که در نزدیکی آن قرار دارند مانند ایران (پیش از انقلاب ۱۹۷۹)، ترکیه و اتیوپی تقویت کند. با تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه و تغییر اولویت‌های امنیتی، رژیم صهیونیستی به مرور زمان دکترین پیرامونی دچار تغییر شد. رژیم صهیونیستی به تدریج به سمت عادی‌سازی و تقویت روابط با کشورهای عرب مانند مصر در قالب پیمان صلح کمپ دیوید (۱۹۷۸)، اردن در قالب پیمان صلح ۱۹۹۵ و نهایتاً امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش در قالب پیمان ابراهیم رفت (مسئله). پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین تغییر در دکترین پیرامونی رژیم صهیونیستی به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه عواملی موجب تغییر رویکرد دکترین پیرامونی رژیم صهیونیستی با تاکید بر پیمان ابراهیم شده است؟ (هدف و سؤال) پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی نگارش شده و با بهره‌گیری از چارچوب نظری جیمز روزنا به دنبال تحلیل و واکاوی ابعاد بیشتر این موضوع می‌باشد (روش). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد متغیر فرد و نقش در تعامل با یکدیگر (نتانیا‌هو در پست نخست‌وزیری، عامل بین‌الملل (دولت ایالات متحده آمریکا در دوره ترامپ و محیط منطقه‌ای به‌ویژه تهدید جمهوری اسلامی ایران)، عامل حکومتی و عامل جامعه‌ای به ترتیب در این زمینه تأثیرگذار بوده است (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: خاورمیانه، رژیم صهیونیستی، سیاست خارجی، دکترین پیرامونی، پیمان

ابراهیم

DOR:

[20.1001.1.23225645.1403.13.3.5.0](https://doi.org/10.1001.1.23225645.1403.13.3.5.0)

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید

باهنر کرمان، کرمان، ایران. az09b0c@gmail.com

۲. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

abbaszadeh@gmail.com

دوره ۱۳، شماره ۳،
پیاپی ۳۳ پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۶/۰۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۱۲/۲۱
صص: ۹۷-۱۱۷

شاپا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی امنیت گوناگونی نشر
JOURNALS.MSRT.IR

مقدمه و بیان مسئله

یکی از برون‌دادهای مهم سیاست خارجی کشورها دکترین‌ها هستند و این برون‌داد در سیاست خارجی برخی دولت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. دکترین مجموعه اقدامات و خط‌مشی سیاسی یک دولتمرد است که جنبه ابتکاری داشته و آثاری را از خود بر جای می‌گذارد. از بدو تأسیس دولت رژیم صهیونیستی، خطر انزوا، تهدیدی جدی برای دولتمردان آن بوده است. برای مقابله با تهدید مذکور دیوید بن گورین، اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، «دکترین اتحاد پیرامونی» را جهت خروج از انزوا در مواجهه با اتحاد دول عربی مطرح ساخت. چارچوب اصلی این دکترین گسترش و توسعه روابط با دولت‌های غیرعرب بود. بنابراین جهت اجرای این راهبرد با کشورهای پیرامون مرزهای اعراب شامل ترکیه، ایران و اتیوپی متحد شد و امروز پس از سپری شدن ۶ دهه این دکترین با تغییراتی در منابع تهدید پیگیری می‌شود (شادمانی و یزدانی، ۱۳۹۷: ۴۵).

دکترین پیرامونی تا میانه دهه ۱۹۷۰ عامل مهمی برای بقای دولت نوپدید رژیم صهیونیستی در جنگ مداوم و مکرر با همسایگان عرب بوده است. در عین حال رژیم صهیونیستی از شکنندگی «اتحاد پیرامونی» خود آگاه بوده که نمی‌تواند پایه مستحکم و بلندمدت امنیت آن باشد. اواخر دهه ۱۹۷۰ با پایان نهایی جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی و پیرو آن پیمان صلح با مصر و اردن مشخص شد. این امر سبب تغییر در سیاست رژیم صهیونیستی در قبال کشورهای عربی و به تبع آن دیدگاه دکترین پیرامونی شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر اساسی در ماهیت روابط ایران و عدم پذیرش موجودیت رژیم صهیونیستی توسط نظام جدید ایران و حمایت جمهوری اسلامی ایران از آرمان فلسطین و تأکید آن بر ضرورت مبارزه با رژیم صهیونیستی، علیرغم وجود دو دیدگاه متعارض مخالف و موافق مقامات رژیم صهیونیستی در مورد تعامل با ایران، از ابتدای دهه ۹۰ میلادی و با شروع روند صلح خاورمیانه، ایران مهمترین تهدید امنیت ملی رژیم صهیونیستی قلمداد شده و استراتژی‌های مختلفی جهت مقابله با آن تدوین شد. بر این اساس، دکترین پیرامونی بر پایه دشمنی رژیم صهیونیستی با ایران، به جای اعراب تعریف شده و جغرافیای پیرامون در دولت‌های عربی به مناطق همجوار ایران تغییر یافت. بنابراین نگاه رژیم صهیونیستی به محیط سیاسی و امنیتی دکترین پیرامونی دچار تغییر شد و به سمت صلح و اتحاد با کشورهای عربی حرکت کرد و بر این اساس صلح بین رژیم صهیونیستی و مصر در قالب پیمان صلح کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ و همچنین صلح با اردن در سال ۱۹۹۵ محقق شد (قادری و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۵).

تلاش‌ها برای استقرار و تقویت روابط صلح‌جویانه بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا شدت گرفت. دولت ترامپ

تمامی تلاش خود را به کار گرفت تا هم مسئله امنیت رژیم صهیونیستی را چاره‌اندیشی کند و هم صدور ایمن و مداوم انرژی خاورمیانه را تضمین نماید. از این رو می‌توان گفت که استقرار صلح میان اعراب و رژیم صهیونیستی ستون سیاست خاورمیانه آمریکا در منطقه بوده است (تبارسوته و مهرورز، ۱۳۹۹: ۲۳). توافق ابراهیم یا پیمان ابراهیم^۱ بیانیه مشترک رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا بود که در ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ منعقد شد. از این واژه همچنین برای اشاره کلی به توافق‌نامه‌های صلح به ترتیب بین رژیم صهیونیستی - امارات متحده عربی، رژیم صهیونیستی - بحرین و رژیم صهیونیستی - سودان طبق توافق قبلی با ایالات متحده آمریکا استفاده می‌شود.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل و متغیرهای تاثیرگذار بر تغییر رویکرد دکتربین پیرامونی با تاکید بر پیمان ابراهیم می‌باشد. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که تغییر در دکتربین پیرامونی دولت رژیم صهیونیستی تحت تاثیر چه شرایط و عوامل رخ داده است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که چه عواملی موجب تغییر رویکرد دکتربین پیرامونی رژیم صهیونیستی با تاکید بر پیمان ابراهیم شده است؟ در این پژوهش عوامل مختلف در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس مدل مفهومی روزنا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه پژوهش

با مطالعه آثار موجود در ادبیات پژوهش می‌توان دریافت که پژوهش‌های متعددی پیرامون دکتربین پیرامونی رژیم صهیونیستی و همچنین واکاوی تاریخی این دکتربین صورت گرفته است که در بخش اول ادبیات پژوهش به آن‌ها پرداخته می‌شود. در قسمت دوم ادبیات پژوهش نیز تحقیقاتی ذکر شده که به تغییر رویکرد دکتربین پیرامونی رژیم صهیونیستی در قالب پیمان ابراهیم پرداخته‌اند. در حالی که پژوهش حاضر به دنبال بررسی عوامل مؤثر در تغییر رویکرد دکتربین پیرامونی دولت رژیم صهیونیستی با تاکید بر پیمان ابراهیم می‌باشد که همین مطلب نوآوری پژوهش پیش‌رو است.

مهدیه شادمانی و عنایت الله یزدانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «دکتربین اتحاد پیرامونی و امنیت رژیم صهیونیستی: بنیان نظری موازنه تهدید استفان والت» تلاش کرده‌اند تا نشان دهند که تا چه میزان دکتربین اتحاد پیرامونی در امنیت و بقا رژیم صهیونیستی اثرگذار بوده است و نتیجه می‌گیرند که رژیم صهیونیستی طبق دکتربین اتحاد پیرامونی با حمایت قدرت‌های بزرگ و حضور در مناطق استراتژیک و پرجمعیت، با تهدیدها مقابله کرده است.

کارولینا نازلینسکا (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «دورنمای دکتربین پیرامونی رژیم صهیونیستی برای تعریف و مطالعه رویه سیاست خارجی؛ روش‌شناسی تطبیقی» با هدف بررسی

مواضع چندین نویسنده در مورد موضوعات اصلی بحث برانگیز، در مورد کاربرد اصطلاح دکترین پیرامونی، نشان می‌دهد که این موضوع به طور جامع از طریق روش‌شناسی مکتب کپنهاگ مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده تاکید دارد که «دکترین پیرامونی» همچنان ابزار مناسبی برای تحلیل روابط خارجی رژیم صهیونیستی می‌باشد. سید هادی برهانی و سید حامد حسینی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «راهبرد امنیت ملی رژیم صهیونیستی در مواجهه با تهدیدهای محیط پیرامونی» به دنبال این هستند که بررسی کنند ارزیابی رژیم صهیونیستی از تهدیدهای چندوجهی چگونه می‌باشد و در مرحله بعد چه پاسخ‌هایی را برای این نوع از خطرها در نظر گرفته است.

از آثار دسته دوم نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: محمد رجبی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در جهان اسلام» با روش کیفی و رویکرد تحلیلی بحث می‌کند که، صهیونیست‌ها همواره دو راهبرد را در مواجهه با کشورهای جهان اسلام در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا دنبال کرده‌اند: راهبرد نخست، عادی‌سازی روابط با برخی از این کشورهاست که با دکترین اتحاد پیرامونی و ارتباط با ایران دوره پهلوی، ترکیه، کُردها و... آغاز می‌شود و با طرح معامله قرن و انعقاد توافق‌نامه ابراهیم میان این رژیم با کشورهای امارات، بحرین، مراکش و سودان با میانجیگری آمریکا ادامه می‌یابد؛ و راهبرد دیگر، تهاجم همه‌جانبه به جریان مقاومت تحت رهبری ایران است.

محمد بابایی و میرعلی میریوسفی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «تأثیر پیمان صلح ابراهیم بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه» به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که پیمان صلح ابراهیم چه تاثیری می‌تواند بر مجموعه امنیتی خاورمیانه داشته باشد. فرضیه‌ای که برای پاسخ مطرح می‌شود این است که پیمان ابراهیم از طریق تغییر در قطبش قدرت الگوهای دشمنی و دوستی می‌تواند سبب تحول مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه گردد.

محمد رضا ملکی و فرزاد محمدزاده ابراهیمی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و جهان عرب؛ نظریه نواقع‌گرایی» به واکاوی این موضوع پرداخته‌اند که چرا رژیم صهیونیستی و اعراب در فرایند عادی‌سازی روابط با یکدیگر قرار گرفته‌اند. در نتیجه نویسندگان با بکارگیری نظریه نواقع‌گرایی چنین پاسخ می‌دهند که رژیم صهیونیستی و شماری از کشورهای عرب به دلیل نگرانی‌های امنیتی مشترک و همچنین تأمین بهتر منافع ملی خود به عادی‌سازی روابط با یکدیگر روی آورده‌اند.

۲- چارچوب نظری

در زمینه تحلیل سیاست خارجی کشورها، دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و رهیافت‌های متفاوتی مطرح شده‌اند. بیشتر نظریه‌پردازان سیاست خارجی از نظر تکیه بر یکی از دو سطح تحلیل خرد (محیط داخلی) و یا کلان (محیط عملیاتی) ضمن ایجاد ایستایی، غالباً مطالعه سیاست خارجی را تک بعدی و به عنوان متغیری وابسته به یکی از دو محیط داخلی و یا خارجی مورد

مطالعه قرار داده‌اند. اما در روند تکامل پویای مطالعات سیاست خارجی به تدریج لزوم تغییر متدولوژیک و نیاز به پیوند و ترکیب میان دو سطح تحلیل خرد و کلان آشکار شد تا از تقلیل‌گرایی و ساده‌انگاری فرایند سیاست خارجی به یکی از سطوح تحلیل خرد یا کلان جلوگیری شود. مایل برچر و جیمز روزنا از پیشگامان و چهره‌های برجسته رهیافت مختلط یا میان برد بر اساس ترکیب دو سطح تحلیل خرد و کلان به شمار می‌روند. روزنا نخستین بار با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان «پیش‌نظریه سیاست خارجی»، زمینه اتصال و ترکیب دو سطح تحلیل را فراهم آورد (عطایی و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۱: ۲۵). چارچوب تحلیلی_ مفهومی جیمز روزنا با هدف ارائه روش و چارچوبی نظام‌مند برای تحلیل ارتباط سیاست داخلی و سیاست خارجی کشورها و بازگرداندن نظم و نسق به حوزه نظری علوم انسانی ارائه گردید.

رهیافت تلفیقی یا پیوستگی در سیاست خارجی به استفاده از ترکیبی از عوامل و رویکردهای مختلف در برخورد با مسائل بین‌المللی اشاره دارد. این رویکرد تلاش می‌کند تا بر اساس شرایط و متغیرهای گوناگون، از ترکیبی از رهیافت‌های کلان و خرد استفاده کند (Rosenau, 1971: 25). در ادامه پنج متغیر اصلی تأثیرگذار مدل روزنا در تصمیم‌گیری سیاست خارجی یعنی سیستم بین الملل یا عوامل بیرونی، حکومت، اجتماع، نقش و ویژگی‌های فردی توضیح داده می‌شوند:

۲-۱- متغیر فرد:

اولین متغیر در نظریه پیوستگی جیمز روزنا، متغیر «فردی» است. مفهوم فرد تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی بدین معناست که در فرآیند تدوین و اجرای سیاست‌های خارجی یک کشور، نقش و تأثیر فردی که تصمیم‌گیری‌ها را انجام می‌دهد، بسیار مهم است. این فرد می‌تواند رهبر، وزیر امور خارجه، یا دیگر تصمیم‌گیرندگان حوزه سیاست خارجی باشد. متغیرهای فردی شامل ویژگی‌های فردی، برداشت‌ها، ترجیحات و تصورات، انگیزه‌ها، شیوه رهبری و تصمیم‌گیری، جهان‌بینی و نظام اعتقادات و باورهای تصمیم‌گیرندگان می‌شود (Rosenau, 1972: 35).

۲-۲- متغیر نقش:

هر فرد تصمیم‌گیرنده می‌تواند با توجه به نقش و سمت خود در سلسله‌مراتب سازمانی دولت، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی داشته باشد. متغیرهای مربوط به نقش به دو شکل بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند: اول، از طریق ایجاد محدودیت رفتاری برای تصمیم‌گیرندگان و تقلیل گزینه‌ها. دوم، از طریق شکل‌دهی به گرایش‌ها و رفتارهای سازمانی خاص و مستمر از راه ایجاد فرایندها و رویه‌های ثابت و مستمر (Rosenau, 1971: 29).

۲-۳- متغیر حکومتی:

این متغیر شامل ماهیت و ساختار حکومتی، نوع حکومت (مانند توتالیتر، دموکراتیک،

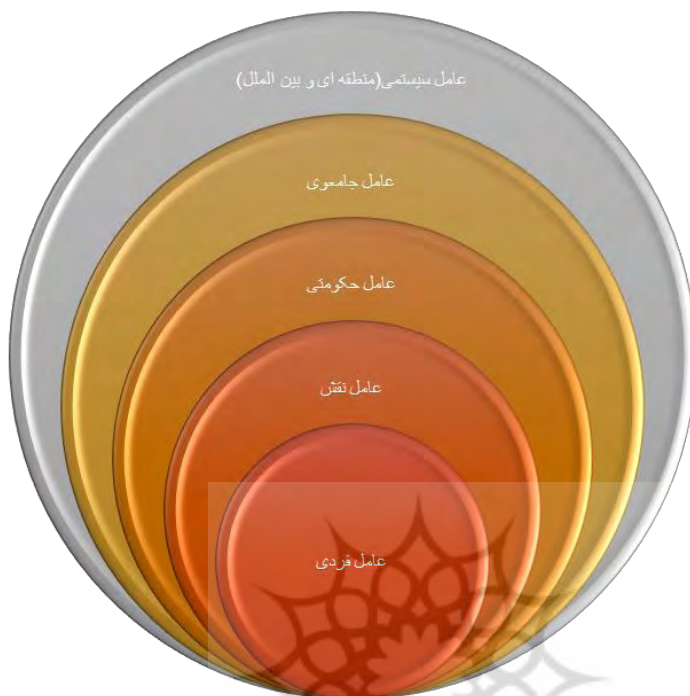
جمهوری اسلامی و غیره)، فرآیندهای تصمیم‌سازی و روابط بین‌دولتی می‌شود. متغیر حکومتی تأثیر مستقیمی بر سیاست خارجی دارد. به عنوان مثال، شیوه تصمیم‌گیری در یک نظام سیاسی دموکراتیک و یک نظام سیاسی توتالیتار متفاوت است. بنابراین، ماهیت و ساختار حکومتی یک کشور می‌تواند مدلی برای تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی آن کشور فراهم کند و تأثیر قابل‌توجهی بر روابط بین‌المللی و نحوه تعامل با کشورهای دیگر داشته باشد (Rosenau, 1971: 41).

۲-۴- متغیر اجتماعی:

در سیاست خارجی، متغیرهای اجتماعی یا جامعه‌ای نیز می‌توانند تأثیر مهمی داشته باشند. این متغیرها شامل عواملی مثل فرهنگ، ارزش‌ها، نگرش‌ها، آرمان‌ها، انگیزه‌ها و نیازهای جامعه می‌شوند که می‌توانند تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی را متأثر کنند. متغیر اجتماعی در اصل همه جوانب غیردولتی یک جامعه را در بر می‌گیرد که در روند اتخاذ تصمیم‌های سیاست خارجی دخیل است (Rosenau, 1971: 30).

۲-۵- متغیرهای محیطی و یا بین‌المللی:

این متغیر شامل ساختار قانونی و اجتماعی بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی، مقررات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و روابط بین‌دولتی است. نقش متغیر نظام بین‌الملل در سیاست خارجی به شکل‌های مختلفی بیان می‌شود. قوانین و مقررات بین‌المللی، از جمله موافقت‌نامه‌های تجاری، قوانین حقوق بشر، قوانین جنگ و غیره می‌توانند تأثیر مستقیمی بر رفتارهای سیاست خارجی دولت‌ها داشته باشند. روابط بین‌المللی نیز می‌توانند بر اساس مقررات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی بر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی تأثیرگذار باشند؛ مانند توافق‌نامه‌های صلح یا تجاری. ضمناً نظام اجتماعی بین‌المللی شامل ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های مشترکی است که تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای سیاست خارجی دولت‌ها می‌باشد (Rosenau, 1971).



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش بر اساس نظریه (منبع: نگارندگان)

۳- روش تحقیق

از لحاظ روش تحقیق، پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی- تحلیلی و با رویکرد «انطباق نظریه با مورد» یا «آزمون نظریه با مورد» صورت گرفته است. گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز بر اساس روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و استفاده از کتاب‌ها، مقالات، وبگاه‌ها، خبرگزاری‌ها و گزارش‌های علمی معتبر می‌باشد. مراحل انجام پژوهش به این صورت است که ابتدا مدل نظری بر اساس چارچوب مفهومی روزنا طراحی شده و سپس موارد در قالب سطوح تحلیل و متغیرهای خرد و کلان تطبیق داده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش: تحلیل تغییر رویکرد دکترین پیرامونی بر اساس مدل تحلیلی

جیمز روزنا

«پیمان ابراهیم» با میانجی‌گری آمریکا بین رژیم صهیونیستی با چند کشور عربی به امضاء رسید. به طور کلی پیمان ابراهیم به توافق‌نامه صلح و عادی‌سازی روابط بین رژیم صهیونیستی با کشورهای امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان گفته می‌شود (رجبی، ۱۴۰۰: ۱۹). پیدایش پیمان ابراهیم در تصورات و افق دیدگاه‌های مقامات رژیم صهیونیستی در برابر توانمندی نظامی جمهوری اسلامی ایران و اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران ریشه دارد.

همچنین گفته شده که پیمان ابراهیم حاصل رویارویی ایران با رژیم صهیونیستی بوده که همین مواجهه سبب نزدیکی و همراهی کشورهای حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی شده است. مقامات رژیم صهیونیستی، برنامه‌های موشکی ایران را طرحی سازمان‌یافته از طرف ایران برای نابودی خود فرض می‌کنند و به همین خاطر برای موازنه در برابر این تهدید به ائتلاف با ایالات متحده آمریکا و کشورهای عربی روی آورده‌اند (شفیعی سیف آبادی، ۱۴۰۳: ۶۱).

در حال حاضر پیمان ابراهیم چارچوبی را برای تداوم و استمرار فرآیند پذیرش هرچه بیشتر رژیم صهیونیستی از طرف اعراب ایجاد کرده است. این پیمان از منظر امنیتی به توسعه و گسترش چتر امنیتی متحدان رژیم صهیونیستی در مواجهه با متحدان جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت می‌انجامد که هدف ایالات متحده در منطقه غرب آسیا است. هر آنچه اکنون مشاهده می‌شود آن است که اغلب کشورهای عربی به رژیم صهیونیستی نه به مثابه یک دشمن، بلکه به مثابه یک متحد و هم‌پیمان می‌نگرند، و نیز به دلیل مناسبات راهبردی و روابطی که با ایالات متحده آمریکا دارند، توانایی نادیده گرفتن آن را ندارند (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۴).

بنج عامل یا متغیر تاثیرگذار در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی با اتکاء بر موضوع تغییر و تحول در دکترین پیرامونی دولت با تاکید بر پیمان ابراهیم از منظر جیمز رونا به شرح زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد:

۴-۱- عامل فردی: بنیامین نتانیا‌هو

بنیامین نتانیا‌هو تاکنون چهار بار به نخست وزیری رژیم صهیونیستی رسیده است. از این دیدگاه در طول تاریخ هفتاد و چند ساله دولت یهود با بیش از ۱۵ سال سابقه، طولانی‌ترین دوره نخست‌وزیری را به نام خود ثبت کرده است که این خود نشان از توانمندی وی در تاثیرگذاری بر تحولات سیاسی داخلی و بین‌المللی رژیم صهیونیستی دارد (Kimhi and Yehoshua, 2017:5). نتانیا‌هو یک رئیس‌مركزگرا است که رغبت دارد به تنهایی عمل کرده و دیگران را به نحو جزئی در فعالیت‌هایش دخالت دهد. وی در اتخاذ تصمیمات حساس غالباً وزرا و اعضای کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی را وارد نمی‌کند و در بهترین حالت، پس از تصمیم‌گیری آن‌ها را از نتیجه تصمیمات آگاه می‌سازد. برای مثال او در رابطه با پیمان صلح با امارات و تأیید فروش هواپیماهای جنگی اف ۳۵ آمریکایی به این کشور، گابی اشکنازی، وزیر خارجه، و بنی گانتز، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، را از هر گونه مشاوره و تصمیم‌گیری در این باره کنار گذاشت (Melman, 2020:7).

شخص نتانیا‌هو دارای باورهای فکری و دیدگاهی به نسبت خوش‌بینانه در مورد مناسبات در سیاست خارجی بوده است. برنامه‌های اعلامی و اعمالی نتانیا‌هو حفظ و تثبیت چیرگی رژیم صهیونیستی و گسترش پیمان‌نامه‌های صلح با کشورهای عرب منطقه است. به تعبیری دیگر برنامه

اصلی او این است که منافع رژیم صهیونیستی و متحدانش از قبیل ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو پیمان ابراهیم را در مقابل خطر دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای حفظ کند.

۴-۲- عامل نقش؛ نخست وزیر

تصمیمات نتانیاهو در نقش و جایگاه نخست وزیری یعنی بالاترین مقام اجرایی دولت، بیشترین تأثیر را بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی داشته است. نتانیاهو از طریق دیپلماسی به طور مستقیم و غیرمستقیم با رهبران و سران کشورهای عربی مذاکره کرد. او در پی یافتن زمینه‌های مشترک و ایجاد انگیزه‌های اقتصادی و امنیتی برای جلب نظر این کشورها به عادی‌سازی مناسبات با رژیم صهیونیستی بود. او با رویکردی کاملاً تهاجمی به تهدیدات منطقه‌ای، به ویژه ایران، برخورد کرده است. همچنین شخص نتانیاهو نقش اساسی و محوری در بهبود مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی ایفا کرد. پیمان‌های صلح ابراهیم حاصل تلاش‌های دیپلماتیک او و همکاری نزدیک او با دولت ترامپ بود.

نتانیاهو تضمین‌هایی در زمینه‌های امنیتی و اقتصادی به کشورهای عربی ارائه داد. او تأکید داشت که همکاری با رژیم صهیونیستی می‌تواند به افزایش صلح و ثبات منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات مشترک، مانند گسترش نفوذ ایران و گروه‌های افراطی در منطقه بیانجامد. نتانیاهو به دنبال ایجاد یک اتحاد و ائتلاف منطقه‌ای بود که بتواند به عنوان وزنه تعادلی در مقابله با ایران و گروه‌های تحت حمایت آن عمل کند. آنچه اکنون در دوره نخست وزیری او شاهد آن هستیم، نه تنها ایجاد یک دکترین معکوس توسط رژیم صهیونیستی بود، بلکه یک تحول چشمگیر در اتحادها نیز اتفاق افتاد (Norlen and Sinai, 2020: 21). به طور کلی نتانیاهو در پست نخست وزیری رژیم صهیونیستی نقش کلیدی و مهمی در تغییر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی با تأکید بر پیمان ابراهیم ایفا نمود. نقش نتانیاهو در این سلسله پیمان‌ها به چندین عامل کلیدی مربوط می‌شود: دیپلماسی فعال، تأکید بر امنیت منطقه‌ای و تهدیدات مشترک و همچنین منافع اقتصادی مشترک و نهایتاً جلب پشتیبانی آمریکا (Guzansky and Feuer, 2021: 9). نقش نتانیاهو در پیمان ابراهیم بسیار اساسی و محوری بود. وی به مثابه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، یکی از طراحان و معماران اصلی این توافقات بود و در عمل نیز به شدت درگیر مذاکرات و ایجاد زمینه و شرایط لازم برای دستیابی به این پیمان بود.

۴-۳- عامل حکومتی

عامل حکومتی یا دیوانسالاری شامل موارد زیر می‌شود که به آن‌ها می‌پردازیم:

۴-۳-۱- ریاست جمهوری

ریاست جمهوری رژیم صهیونیستی، هرچند بیشتر یک نقش تشریفاتی و نمادین دارد، اما رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی می‌تواند با استفاده از نفوذ و اعتبار خود به صورت غیرمستقیم در تغییر دکترین پیرامونی رژیم صهیونیستی مؤثر باشد. این تأثیرات از طریق نفوذ بر افکار عمومی و

تقویت وحدت داخلی و تشویق به گفتگو و صلح به دست می‌آید (Bialer, 1990:16) رووین ریولین در دوران ریاست جمهوری خود فعالانه در دیدارهای بین‌المللی شرکت کرد و در تقویت روابط با کشورهای عربی تلاش می‌کرد. او هنگام امضای این توافقات نقش فعالی در گفتگوها نداشت، اما پس از امضای توافق، در دیدارهای مختلفی شرکت کرد تا نمادین بودن این توافقات را تقویت کند و مناسبات میان رژیم صهیونیستی و کشورهای امضاکننده را ترویج دهد.

۴-۳-۲- ارتش

بعد از ایجاد دولت رژیم صهیونیستی، به‌ویژه بعد از نخست وزیری بن‌گوریون، ارتش از اختیارات زیادی برخوردار گردید و به تدریج افرادی با سابقه نظامی در حکومت و نیز احزاب سیاسی رژیم صهیونیستی راه یافتند، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که در رژیم صهیونیستی ارتش سیاست‌ساز است. هرآنچه سویه امنیتی و نظامی داشته، در اولویت سیاست خارجی رژیم صهیونیستی قرار گرفته است (شریده، ۱۳۷۸: ۱۳). ارتش رژیم صهیونیستی از توانمندی‌های نظامی و فناوری پیشرفته خود برای گسترش همکاری‌های استراتژیک با کشورهای عربی در مقابل ایران و محور مقاومت به نحو فزاینده‌ای در سال‌های اخیر به دلیل تهدیدهای مشترک منطقه‌ای، استفاده کرده و این سبب شده است تا رژیم صهیونیستی به سوی پیمان‌های نظامی و امنیتی از جمله پیمان صلح ابراهیم روی بیاورد.

۴-۳-۳- پارلمان (کنست)

کنست، به‌عنوان مجلس قانون‌گذاری رژیم صهیونیستی، نقشی کلیدی و اساسی در شکل‌دهی و نظارت بر سیاست خارجی این کشور دارد. پیمان ابراهیم به طور رسمی توسط دولت رژیم صهیونیستی امضا شد، اما برای طی مراحل قانونی نیاز به تصویب کنست داشت. پس از تصویب پیمان، کنست برای اطمینان از اینکه توافق‌نامه‌ها طبق برنامه و به درستی اجرا می‌شوند، نقش نظارتی خود را ایفا می‌کند. کمیته‌های مختلفی مثل کمیته امور خارجی و دفاع کنست جلسات مکرر و منظم با مقامات دولتی برگزار کردند تا پیشرفت اجرای پیمان را بررسی کنند. و از سویی دیگر اجرای پیمان ابراهیم و پروژه‌های مرتبط نیاز به بودجه‌های قابل توجهی داشت که باید توسط کنست تصویب می‌شدند.

۴-۳-۴- وزارت امور خارجه

وزارت خارجه رژیم صهیونیستی نقش مهمی در مذاکرات منتهی به توافق‌نامه‌های ابراهیم در سال ۲۰۲۰ داشت. این توافق‌نامه‌ها، نقطه عطفی در دیپلماسی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی تلقی می‌شوند. وزارت خارجه رژیم صهیونیستی با همکاری نزدیک با ایالات متحده و کشورهای عربی، مذاکرات طولانی و پیچیده‌ای را برای رسیدن به پیمان ابراهیم انجام داد. تغییر دکتربین پیرامونی با تاکید بر پیمان صلح ابراهیم نشان‌دهنده تحولی بزرگ در استراتژی‌های دیپلماتیک رژیم صهیونیستی است که عمدتاً با تلاش‌های وزارت خارجه این کشور محقق شده است.

(Times of Israel, 5/6/ 2020). البته از آنجا که وزارت امور خارجه یکی از نهادهای اجرایی قوه مجریه زیر نظر نخست وزیر می باشد، نقش وزارت خارجه را باید در ذیل نقش نخست وزیر دید.

۴-۳-۵- موساد

موساد، به عنوان سازمان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، نقش قابل توجهی در موفقیت پیمان ابراهیم داشت. موساد به طور مستمر اطلاعات استراتژیک و امنیتی در خصوص امارات متحده عربی، بحرین و دیگر کشورهای عربی جمع آوری کرد. این اطلاعات شامل شناسایی نقاط ممکن برای همکاری، دغدغه های امنیتی مشترک و بررسی تأثیرات پیمان های صلح بر امنیت منطقه بود. موساد به ویژه در مراحل پایانی مذاکرات پیمان ابراهیم، با پشتیبانی استراتژیک و ارائه اطلاعات به تیم های مذاکره کننده رژیم صهیونیستی کمک کرد. در آخر هم از کنکاش موساد در پیمان ابراهیم، می توان به رویداد مربوط به دیدار نتانیا هو، با ترکیبی از رهبران اماراتی و بحرینی در سپتامبر ۲۰۲۰ اشاره کرد. این دیدار که به طور مخفی انجام شد، یکی از نخستین تماس های رسمی بین رژیم صهیونیستی و مقامات اماراتی و بحرینی بود و امضای پیمان ابراهیم و تقویت روابط دیپلماتیک میان این کشورها نقش تعیین کننده داشت (The Washington Post, 9/11/ 2.21).

۴-۴- عامل اجتماعی (جامعوی)

عامل اجتماعی شامل موارد زیر می باشد که به آن ها می پردازیم:

۴-۴-۱- احزاب

دو حزب کارگر و لیکود برجسته ترین احزاب رژیم صهیونیستی در بستر سیاسی کشور به حساب می آیند که قدرت را در کنست در دست گرفته اند. حزب لیکود به طور خاص و ویژه به دکترین پیرامون رژیم صهیونیستی توجه دارد. در سال های اخیر، لیکود نقش حائز اهمیتی در عادی سازی روابط با کشورهای عربی همچون امارات متحده عربی و بحرین ایفا کرده است. امضای پیمان ابراهیم، یک موفقیت بزرگ در کارنامه سیاست خارجی حزب لیکود محسوب می شود. نتانیا هو، رهبر حزب لیکود نقش کلیدی در مذاکرات و تلاش ها برای دستیابی به پیمان ابراهیم داشت (Herzog, 2020: 34). البته پیمان ابراهیم از سوی اکثر احزاب سیاسی در رژیم صهیونیستی، از جمله حزب کارگر، مورد حمایت قرار گرفته است. حزب کارگر از پیمان ابراهیم حمایت می کند، اما تلاش می کند تا از این توافق به عنوان فرصتی برای تقویت صلح در منطقه و حل و فصل مسئله فلسطین استفاده کند.

۴-۴-۲- ایدئولوژی

گفتمان صهیونیسم به مثابه گفتمان غالب و شکل دهنده هویت ملی و ماهیت دولت رژیم صهیونیستی، به نحو محسوسی توانسته افکار عمومی و عملکرد رهبران سیاسی رژیم

صهیونیستی را در حوزه سیاست خارجی رادیکالیزه کند و رژیم صهیونیستی را در وضعیت تهاجمی در مواجهه با محیط پیرامونی خود قرار دهد (اسلامی، ۱۳۸۸: ۲۳۷). صهیونیسم در پی توسعه و شکوفایی اقتصادی دولت رژیم صهیونیستی است. برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای ثروتمند عربی، فرصت‌های اقتصادی تازه‌ای برای رژیم صهیونیستی ایجاد و امکان همکاری‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و توسعه فناوری را فراهم نموده است. نقش صهیونیسم در شکل‌گیری پیمان ابراهیم بسیار مهم بوده است. این ایدئولوژی با تأکید بر امنیت، توسعه اقتصادی و شناسایی رژیم صهیونیستی، به عنوان یک عنصر کلیدی در پیشبرد این توافق‌نامه‌ها عمل کرده است.

۴-۳- اقتصاد

اقتصاد به عنوان یک عامل مهم در پیمان ابراهیم عمل کرده است و همکاری‌های اقتصادی بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی عضو پیمان، به بهبود روابط دیپلماتیک، افزایش ثبات و توسعه اقتصادی در منطقه منجر شده است. پس از امضای پیمان ابراهیم، تجارت و سرمایه‌گذاری بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عضو این پیمان به حد قابل توجهی افزایش یافته است. شرکت‌های رژیم صهیونیستی و اماراتی در زمینه‌های گوناگونی از جمله فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی و بهداشت همکاری می‌کنند که این امر به انتقال دانش و تقویت اقتصاد هر دو طرف انجامیده است. رژیم صهیونیستی و کشورهای عضو پیمان به‌ویژه امارات متحده عربی، در پروژه‌های بزرگ زیرساختی و انرژی‌های تجدیدپذیر همکاری دارند که این امر به بهبود و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه پایدار دو کشور کمک می‌کند.

۴-۴- افکار عمومی

افکار عمومی در رژیم صهیونیستی از طریق انتخابات، نظرسنجی‌ها، رسانه‌ها و جنبش‌های اجتماعی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر سیاست خارجی این کشور تأثیر می‌گذارد و سیاستمداران را وادار می‌کند تا سیاست‌های خود را با افکار و نگرانی‌های مردم تطبیق دهند. افکار عمومی رژیم صهیونیستی مدت‌ها خواهان صلح و عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی بوده است. مطابق نظرسنجی‌های صورت گرفته، بخش قابل توجهی از مردم رژیم صهیونیستی از بهبود روابط با کشورهای عربی حمایت می‌کنند؛ چرا که این امر می‌تواند به امنیت بیشتر و کاهش تنش‌های منطقه‌ای منجر شود. رسانه‌های رژیم صهیونیستی نقش بارزی در شکل‌دهی به افکار عمومی در مورد پیمان ابراهیم داشتند. نظرسنجی‌ها و مطالعات افکار عمومی به خوبی نشان داد که اکثریت قابل توجهی از مردم رژیم صهیونیستی از پیمان ابراهیم حمایت می‌کنند (Cohen, 2021: 14).

۴-۵- عامل منطقه‌ای و بین‌المللی (سیستمی)

در سطح کلان نیز عوامل و متغیرهای متعددی بر تغییر رویکرد دکترین پیرامونی با تأکید بر پیمان ابراهیم تأثیرگذار بوده است که به آن‌ها می‌پردازیم:

۴-۵-۱- تهدیدات و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی نقش مهم و پیچیده‌ای ایفا می‌کند. برنامه هسته‌ای ایران یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های امنیتی رژیم صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی معتقد است که دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تهدیدی جدی برای امنیت منطقه و به‌خصوص رژیم صهیونیستی است. توسعه برنامه‌های موشکی ایران و دسترسی به موشک‌های بالستیک که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای باشند، در واقع نگرانی‌های رژیم صهیونیستی را افزایش داده است. حمایت ایران از حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی یکی از حساس‌ترین مسائل سیاست خارجی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. حضور نظامی ایران در سوریه و حمایت از بشار اسد، درگیری‌های نیابتی بین رژیم صهیونیستی و ایران در سوریه را به دنبال داشته است. در مجموع، نقش ایران در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی به عنوان یک تهدید اصلی امنیتی و یک بازیگر مهم در معادلات منطقه‌ای، سبب شده تا رژیم صهیونیستی راهبردهایی گوناگون و پیچیده‌ای را برای مقابله با آن اتخاذ کند. رژیم صهیونیستی با تاکید بر این نگرانی مشترک، به دنبال ایجاد ائتلاف‌های جدید با کشورهای عربی منطقه برآمد. این رویکرد منجر به مذاکرات و در نتیجه امضای پیمان‌های صلح با کشورهای عربی شد. تهدیدات و نفوذ منطقه‌ای ایران به عنوان یک متغیر و عامل محرک، نقش مهمی در تغییر رویکرد رژیم صهیونیستی از دکترین پیرامونی به سمت پیمان‌های صلح با کشورهای عربی ایفا کرده است.

۴-۵-۲- رقابت منطقه‌ای بین جبهه محافظه‌کار و جبهه مقاومت در خاورمیانه

نزاع بین جبهه محافظه‌کار و جبهه مقاومت در خاورمیانه یک رویارویی پیچیده و چندوجهی است که بر بسیاری از تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی منطقه اثرگذار است. این نزاع نه تنها به خاطر اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی، بلکه به دلیل رقابت‌های ژئوپلیتیکی و استراتژیکی تشدید شده است. به علاوه همکاری جبهه محافظه‌کار با رژیم صهیونیستی یکی از تحولات مهم و تازه در سیاست‌های منطقه‌ای است که آثار و پیامدهای گسترده‌ای بر تعادل قدرت و معادلات ژئوپلیتیک داشته است. پیمان ابراهیم، با هدف عادی‌سازی روابط بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، تأثیرات و پیامدهای گسترده‌ای بر سیاست‌های منطقه‌ای و تعادل قدرت در خاورمیانه داشته است.

۴-۵-۳- عمل‌گرایی و منافع اقتصادی کشورهای منطقه

احتیاج کشورهای خلیج فارس به سیاست تنوع‌سازی اقتصادی و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی جهانی در پاسخ به افت قیمت نفت و کاهش رشد اقتصادی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در ۲۰۲۰ یک تحول اساسی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی عادی‌سازی مناسبات با رژیم صهیونیستی به مثابه قطب تکنولوژی برتر، امکان غیرقابل انکار برای همکاری در بسترهای کشاورزی، بهداشت و توریسم در راستای افزایش رشد اقتصادی

فراهم نمود. همچنین این عادی سازی به مثابه یک امکان از طرف بعضی بازیگران منطقه ای مانند سودان در راستای جلب حمایت ایالات متحده آمریکا و توسعه روابط با آمریکا به امید برچیدن تحریم های اقتصادی و دریافت کمک های مالی دیده می شود. سایر کشورهای عرب در این پیمان منافع اقتصادی از قبل پیمان ابراهیم داشته اند و برای بهره بردن از وعده ها و توقعاتی که در خصوص منافع اقتصادی داشتند، به این پیمان پیوستند. قبل از پیمان این منافع افزایش یافته بود. در سال ۲۰۲۰ صادرات رژیم صهیونیستی به کشور امارات به ۷۰ میلیون دلار و صادرات امارات به رژیم صهیونیستی به بیش از ۱۱۷ میلیون دلار رسیده بود (Israel Exports to United Arab Emirates, 2022) در سال ۲۰۲۱ تجارت بین دو کشور به ۶۱۰ میلیون دلار در ۷ ماه اول سال رسید که اکثراً در ارتباط با تجارت الماس بود (Saba, 2021: 69). این پیمان فرصت های زیادی برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم کرده و به تقویت روابط دیپلماتیک و فرهنگی نیز کمک کرده است.

۴-۵-۴- بیداری اسلامی

بی ثباتی های ناشی از خیزش های انقلابی موسوم به بیداری اسلامی (۲۰۱۱)، بروز تهدیدات مشترک، تغییر اولویت های سیاسی و اقتصادی و دغدغه ها و نگرانی ها از نفوذ ایران، همه عواملی بودند که کشورهای عربی را به سمت همکاری بیشتر با رژیم صهیونیستی سوق دادند. بیداری اسلامی با تغییر ساختار معادلات سیاسی و امنیتی در منطقه، به طور غیرمستقیم نقش مهمی در شکل گیری پیمان ابراهیم داشت.

۴-۵-۵- عامل بین الملل: نقش ایالات متحده آمریکا

برقراری روابط دیپلماتیک بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی جزئی از تلاش های دولت آمریکا برای مهیا ساختن زمینه ای برای همکاری های بیشتر دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی بوده است. با ایجاد ائتلافی مشتمل بر کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، ایالات متحده سعی دارد تا جبهه ای متحد علیه تهدیدات مشترک، به ویژه ایران، بسازد. امضای پیمان ابراهیم سبب تقویت روابط آمریکا با متحدان خود در منطقه شد. آمریکا در تلاش برای برقراری صلح بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، نقش کلیدی و اصلی را ایفا کرده است. این شامل میانجیگری در مذاکرات صلح و توافقات نظیر کمپ دیوید و توافق ابراهیمی می شود (Totten, 2016: 15).

نقش ایالات متحده در تغییر رویکرد دکترین پیرامونی رژیم صهیونیستی به خصوص پیمان ابراهیم اساسی بود. دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور وقت آمریکا، با هماهنگی کامل با دولت های رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش، مذاکرات را تسهیل کرد. ضمناً باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که پیمان ابراهیم نتیجه دو عامل ژئواستراتژیک اصلی می باشد: اول استمرار و تقویت دشمنی آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران

■ بررسی متغیرهای مؤثر در تغییر رویکرد دکترین پیرامونی رژیم صهیونیستی با تاکید بر پیمان ابراهیم

در منطقه به دلیل افزایش تهدید محتمل ناشی از قدرت‌یابی ایران در منطقه و دوم خروج اجتناب‌ناپذیر آمریکا از منطقه (با خروج از عراق و افغانستان) و تمرکز استراتژیک بر آسیا و تهدید چین. این تغییر استراتژیک رژیم صهیونیستی را در مواجهه با ایران تنها گذاشت. برای همین رژیم صهیونیستی در پی یافتن متحدانی در میان کشورهای منطقه رفت. رژیم صهیونیستی هم جایگزین آمریکا به عنوان متحد کشورهای خلیج فارس خواهد شد.

عامل فردی	نتانياهو			
عامل نقش	نخست وزیر نتانياهو			
عامل حکومتی	ارتش و موساد	پارلمان	ریاست‌جمهوری	وزارت خارجه
عامل جامعه‌ای	احزاب	اقتصاد	ایدئولوژی	افکار عمومی
عامل منطقه‌ای	تهدیدات و نفوذ منطقه‌ای ایران	جبهه‌بندی‌های منطقه خاورمیانه	عمل‌گرایی اقتصادی	بیداری اسلامی
عامل بین‌الملل	دولت ایالات متحده آمریکا			

جدول شماره ۱: متغیرهای تأثیرگذار بر تغییر رویکرد دکترین پیرامونی (منبع:

نگارندگان)

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

با توجه به آنچه که در بالا ذیل منابع متعدد بدست آمده و بر اساس تحلیل روزنا صورت گرفته، می‌توان این طور نتیجه‌گیری کرد که مهم‌ترین تأثیر را در تغییر رویکرد دکترین پیرامونی رژیم صهیونیستی با تاکید بر پیمان ابراهیم، عامل فرد و البته در تعامل با نقش داشته است. شخص نتانياهو نقش محوری در بهبود مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی ایفا کرد. پیمان‌های صلح ابراهیم نتیجه تلاش‌های دیپلماتیک او و همکاری نزدیک با دولت ترامپ بود.

باید اضافه کرد که پست نخست وزیری بالاترین مقام اجرایی در نظام سیاسی دولت رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. بر این اساس تصمیمات او در جایگاه نخست وزیری بیشترین تأثیر را بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی داشته است. نتایهاو به مثابه نخست وزیر رژیم صهیونیستی و به عنوان اولین شخص اجرایی دولت، از طریق دیپلماسی به طور مستقیم و غیرمستقیم با رهبران کشورهای عربی مذاکره کرد. او به دنبال یافتن زمینه‌های مشترک و ایجاد انگیزه‌های اقتصادی و امنیتی برای تشویق این کشورها به عادی‌سازی مناسبات با رژیم صهیونیستی بود. به طور کلی بنیامین نتانیاهاو در پست نخست وزیری رژیم صهیونیستی نقش کلیدی و مهمی در تغییر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی به‌ویژه پیمان ابراهیم ایفا کرد. نقش بنیامین نتانیاهاو در پیمان ابراهیم بسیار اساسی و محوری بود. وی به مثابه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و یکی از معماران اصلی این توافقات، به شدت درگیر مذاکرات و ایجاد شرایط لازم برای دستیابی به این پیمان بود.

از این منظر می‌توان تأثیر عامل حکومتی را نیز در ذیل همان عامل فرد و نقش در نظر گرفت. به عنوان مثال نقش نهادهایی مثل ریاست جمهوری نمادین بوده است. همچنین نقش نهادهای دیگری مانند ارتش، موساد و یا وزارت خارجه در ذیل نقش نخست وزیری قابل ارزیابی است و از این لحاظ ثانویه محسوب می‌شود. به عبارت دیگر نهادهای حکومتی عمدتاً مجری سیاست‌های نهاد نخست وزیر و شخص نتانیاهاو در این دوره می‌باشد. همچنین تأثیر عامل جامعه‌ی را نیز با توجه به شخصیت تمرکزگرای نتانیاهاو و اثرگذاری نقش نخست وزیری می‌توان ثانویه در نظر گرفت. البته این تحلیل به آن معنا نیست که عوامل حکومتی یا جامعه‌ی بر تغییر رویکرد دکتترین پیرامونی تأثیر نداشته، اما عموماً نقش ثانویه و غیرمستقیم داشته‌اند.

بعد از تأثیرگذاری عامل فرد و نقش در تعامل با یکدیگر، تأثیر عامل سیستمی شامل بین‌المللی و منطقه‌ای مهمتر از بقیه عوامل و متغیرها می‌باشد. نتانیاهاو مناسبات خیلی نزدیکی با دولت‌های جمهوری خواه آمریکا، به‌ویژه دولت دونالد ترامپ داشت. و این همکاری به نتانیاهاو کمک کرد تا از حمایت‌های آمریکا برای پیشبرد مذاکرات بهره‌مند شود. آمریکا با برجسته کردن تهدیدات مشترک و ترویج همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای، به تسهیل فرآیند صلح کمک کرد. نقش ایالات متحده در تغییر رویکرد دکتترین پیرامونی رژیم صهیونیستی به‌ویژه پیمان صلح ابراهیم اساسی بود. با استفاده از ترکیبی از دیپلماسی فعال، مشوق‌های اقتصادی و نظامی و ایجاد چارچوب‌های همکاری امنیتی، آمریکا توانست، فضای سیاسی منطقه را به نفع صلح و همکاری تغییر دهد. در رابطه با پیمان ابراهیم میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی منطقه، ایالات متحده به عنوان میانجی اصلی در مذاکرات صلح عمل کرد. دولت ترامپ، با هماهنگی نزدیک با دولت‌های رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، بحرین، سودان، و مراکش، این مذاکرات را تسهیل کرد.

در سطح سیستمی و به طور مشخص عامل منطقه‌ای و به طور ویژه تهدید ایران نیز تأثیر بسیار زیادی در تغییر رویکرد دکترین پیرامونی داشته است؛ به طور کلی، تهدیدات و نفوذ منطقه‌ای ایران به عنوان یک عامل محرک، نقش مهمی در تغییر رویکرد رژیم صهیونیستی از دکترین پیرامونی به ویژه پیمان‌های صلح با کشورهای عربی ایفا کرده است. بنابراین از بین متغیرهای تاثیرگذار بر تغییر رویکرد دکترین پیرامونی، به ترتیب متغیر فرد و نقش (در تعامل یکدیگر)، متغیر سیستمی، متغیر حکومتی و متغیر جامعی تاثیرگذار هستند.

رتبه	متغیر	سطح	توضیحات
۱	فرد و نقش	خرد	شخص نتانیاهاو در پست نخست وزیری
۲	سیستمی	کلان	ایالات متحده آمریکا و مقابله با تهدید ایران
۳	عامل حکومتی	میانه	نهادهای حکومتی در ذیل نخست وزیری
۴	عامل جامعی	میانه	تأثیر غیرمستقیم افکار عمومی و نهادهای مدنی

جدول شماره ۲: رتبه‌بندی متغیرهای تاثیرگذار بر تغییر رویکرد دکترین پیرامونی
(منبع: نگارندگان)
نتیجه‌گیری

ما در این پژوهش سعی بر آن داشتیم تا متغیرها و عواملی را که منجر به تغییر سیاست‌های کلی رژیم صهیونیستی از دکترین پیرامونی این کشور به صلح با کشورهای عربی به ویژه در قالب پیمان ابراهیم و تعریف دوستان جدید برای رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی این کشور شده است، بر اساس نظریه جیمز روزنا مورد بررسی و واکاوی قرار بدهیم. اگر بخواهیم بر اساس نظریه روزنا عوامل را نام ببریم و تحلیل کنیم باید گفت که در داخل عواملی همچون شخص بنیامین نتانیاهاو در پست نخست وزیری تأثیر بسزایی در تغییر رویه سیاست خارجی رژیم صهیونیستی داشته است؛ نقش بنیامین نتانیاهاو در پیمان ابراهیم بسیار اساسی و محوری بود. وی به مثابه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و یکی از معماران اصلی این توافقات، به شدت درگیر مذاکرات و ایجاد شرایط لازم برای دستیابی به این پیمان بود. عوامل حکومتی مانند ارتش، وزارت امور خارجه، موساد و کنست و نقش حمایتی آن‌ها از سیاست‌های نخست وزیر نتانیاهاو نیز تاثیرگذار بوده است، اما با توجه به نقش اجرایی یا حمایتی این نهادها در ذیل نقش نخست وزیر، تأثیر آن‌ها از نوع فرعی و ثانویه بوده است. عوامل مربوط به جامعه رژیم صهیونیستی

همچون احزاب از جمله حزب لیکود، مذهب رژیم صهیونیستی ذیل سیاست‌های صهیونیسم یهودی و گسترش جغرافیای یهود، نیاز اقتصاد رژیم صهیونیستی به بازار کشورهای عربی و همچنین حمایت افکار عمومی رژیم صهیونیستی از رابطه با کشورهای عربی، همگی در تغییر رویه دکتربین پیرامونی به‌ویژه پیمان صلح ابراهیم نقش داشته‌اند، اما تأثیر آن‌ها نیز از نوع ثانویه و فرعی می‌باشد؛ چرا که عمدتاً حامی و تأییدکننده تصمیماتی است که توسط دولت اتخاذ و اجرا گردیده است. و در بعد سیستمی و بین‌الملل باید از عواملی همچون ایران و سیاست‌هایش در قبال رژیم صهیونیستی و حمایت از گروه‌های مقاومت منطقه از جمله حماس و حزب الله لبنان، منازعات جبهه محافظه‌کار عربی مخالف سیاست‌های ایران با جبهه مقاومت مخالف رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه، نیاز بازار و منافع اقتصادی کشورهای خاورمیانه به رابطه با رژیم صهیونیستی، شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشورهای منطقه خاورمیانه، ایالات متحده آمریکا و سیاست‌های آن در منطقه خاورمیانه و همچنین رؤسای جمهور این کشور از جمله ترامپ و تلاش برای کسب موفقیت سیاسی و کسب رأی در انتخابات پیشین آمریکا و در سطح پایین‌تری زمینه‌سازی سیاست‌های اوباما و همچنین حمایت‌های کنونی بایدن از این پیمان را باید نام برد. و از همین رو بوده که در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی از سوی رژیم صهیونیستی برای بهبود روابط با برخی کشورهای عربی و خلیج فارس از طریق توافقات ابراهیم صورت گرفته است. عامل سیستمی به خصوص نقش‌آفرینی دولت آمریکا در زمان ریاست جمهوری ترامپ همانطور که گفته شد، از تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تغییر رویکرد دکتربین پیرامونی برخوردار بوده است. و البته در سطح کلان تهدیدات منطقه‌ای با محوریت ایران نیز به دلیل بروز تهدیدات مشترک برای رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی منطقه تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته است. بنابراین همانطور که بحث شد عامل فرد و نقش در تعامل با یکدیگر و عامل سیستمی شامل عامل بین‌الملل و منطقه‌ای از تعیین‌کنندگی بیشتر در این خصوص برخوردار بودند.

با امضای پیمان صلح ابراهیم، منطقه خاورمیانه دستخوش تغییرات و تحولاتی شده است. بعضی کشورهای عربی از جمله امارات و بحرین، تمرکز و توجه خود را از مسئله فلسطین به مسائل دیگر مثل همکاری اقتصادی و امنیتی با رژیم صهیونیستی تغییر دادند. البته پیمان ابراهیم علیرغم اینکه به تقویت موقعیت رژیم صهیونیستی در بین برخی کشورهای عربی منطقه انجامیده، اما به طور همزمان نگرانی‌هایی را در بین گروه‌های فلسطینی و حتی برخی کشورهای منطقه به دنبال داشته است که این پیمان به زیان منافع فلسطینیان و تقویت موقعیت رژیم صهیونیستی منجر شده است. این نگرانی‌ها به بروز و تشدید واکنش‌های خشونت‌آمیز در منطقه منجر شده است؛ از جمله حمله ۷ اکتبر گروه‌های فلسطینی به رژیم صهیونیستی و آغاز جنگ ویرانگر رژیم صهیونیستی علیه غزه که در زمان نگارش این پژوهش در جریان است. پیمان ابراهیم همچنین تأثیراتی بر دیپلماسی و روابط بین‌المللی در منطقه داشته است. از یک سو، این پیمان سبب‌ساز

گسترش روابط دیپلماتیک و اقتصادی میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی امضاکننده پیمان گردیده است. از سوی دیگر، برخی بازیگران منطقه‌ای مانند ایران، پیمان ابراهیم را به عنوان تهدیدی برای منافع خود می‌بینند و به همین جهت حمایت‌هایی را از گروه‌های تحت نفوذ و حمایت خود در منطقه از جمله گروه‌های فلسطینی به عمل آورده است. به طور کلی، پیمان صلح ابراهیم تأثیرات عمده‌ای بر جنگ اخیر میان رژیم صهیونیستی و فلسطین داشته است. از تغییرات در موازنه قوا گرفته تا افزایش حس ناامیدی در میان فلسطینیان و تقویت انگیزه‌های گروه‌های مسلح برای نشان دادن قدرت خود در منطقه.

فهرست منابع

- اسلامی، محسن. (۱۳۸۸). سیاست خارجی رژیم صهیونیستی. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر. چاپ اول.
- بابایی، محمد، و میروفسکی، میرعلی. (۱۴۰۰). تأثیر پیمان صلح آبراهام (ابراهیم) بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ دیپلماسی، ۱(۱).
- برهانی، سید هادی، و حسینی، سید حامد. (۱۴۰۰). راهبرد امنیت ملی رژیم صهیونیستی در مواجهه با تهدیدات محیط پیرامونی. فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۳(۷).
- تبارسوته، محمد سلمان، و مهرورز، عباس. (۱۳۹۹). تأثیر سیاست خارجی آمریکا (ترامپسم) در قبال رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۴(۱).
- رجبی، محمد. (۱۴۰۰). راهبردهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در محور مقاومت (مورد مطالعه: سوریه). مطالعات بیداری اسلامی، ۳(۲۱).
- شادمانی، مهدیه، و یزدانی، عنایت‌الله. (۱۳۹۷). دکترین اتحاد پیرامونی و امنیت رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۰(۴۰).
- شریده، محمد. (۱۳۷۸). رهبران رژیم صهیونیستی (بیژن اسدی و مسعود رحیمی، مترجمان). تهران: انتشارات کویر.
- شفیعی سیف‌آبادی، محسن. (۱۴۰۳). نقش رژیم صهیونیستی در تنش‌های ایران-آذربایجان و بایسته‌های رویکرد دفاعی ایران. مطالعات بیداری اسلامی، ۱۳(۱).
- عطایی، فرهاد، و کوزه‌گر کالجی، ولی. (۱۳۹۱). تأملی بر سیاست خارجی جمهوری ازبکستان از منظر نظریه پیوستگی. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۷۸(۷۸).
- قادری، حاجت، جودی، حسین، و حیدریان، سجاد. (۱۳۹۹). تبیین ژئوپولیتیکی

بازساخت ریملند در چارچوب صلح ابراهیم. فصلنامه آمایش سیاسی فضا، ۳ (۱)، ۱۶.

ملکی، محمدرضا، و محمدزاده ابراهیمی، فرزاد. (۱۳۹۹). چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و جهان عرب. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۷ (۳).

نصر اصفهانی، محسن، رنجبر، محمدرضا، و کاظمی، احمد. (۱۴۰۱). بررسی عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم اشغال‌گر فلسطین و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱ (۳).

Bialer, US (1990)s Oil and the Arab-Israeli Conflict 1948–63. St Antony's/MacmillanaSeries.

Goren, Nimrod. (2021, June 24). With Netanyahu gone, the Abraham Accords will not only survive, they might even flourish. Middle East Institute. <https://www.mei.edu/publications/netanyahu-gone-abraham-accords-will-not-only-survive-they-might-even-flourish>

Guzansky, Yoel, & Feuer, Sarah. (2021). The Abraham Accords at One Year: Achievements, Challenges, and Recommendations for Israel. Institute for National Security Studies (INSS).

Herzog, yMichael. (2020). New IDF strategy goes public. The Washington Institute for Near East Policybb <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/new-idf-strategy-goes-public>

Israel Exports to United Arab Emirates. (2022). Trading Economics. <https://tradingeconomics.com/israel/exports/united-arab-emirates>

Kimhi, S., & Yehoshua, S. (2017). Behavior analysis of Benjamin Netanyahu in 1999 and 2017: What has changed? Annals of Psychiatry and Mental Health, 5 (۵)

Melman, Y. (2020, August 25). Why Netanyahu keeps his cabinet in the dark about Israel's most delicate decisions. Haaretz. <https://www.haaretz.com/opinion/.premium-why-netanyahukeeps-his-cabinet-in-the-dark-about-israel-s-most-delicate-decisions-1.9097453>

Nazilinska, Karolina. (2020). Israel's peripheral doctrine: Prospects for definition and studying the procedure of foreign policy, Journal of Political Science, Modern History, International Relations, Security Studies

Norlen, T., & Sinai, T. (2020). The Abraham Accords – Paradigm shift or realpolitik? The George C. Marshall European Center for

Security Studies, (064).

<https://www.marshallcenter.org/en/publications/securityinsights/abraham-accords-paradigm-shift-or-realpolitik>

Rosenau, James. (1971). The national interest. In Scientific study of foreign policy. New York: The Free Press.

Saba, Yee(2021, September 14)ss UAE seeks \$1 trillion in economic activity with Israel by 2031. Reuters.

<https://www.reuters.com/world/middle-east/uae-aims-1-trillion-activity-with-israel-by-2031-2021-09-14>

The Washington Post (2021, September 1).

Times of Israel (2020, June 5).

Totten, Michael E. James E. (2016) The news Arab–Israeli alliance. World Affairs, 179(2), 28–36. <https://doi.org/10.1177/0043820016673779>.

